



سرمقاله

پیامدهای ثبات قیمت دلار

بدهند و تبدیل به واحدهایی ضررده گردند. در یک نگاه کلی آن چه موجبات چنین وضعیتی را فراهم کرده بالا بودن هزینه‌های تولید در کشور نسبت به کشورهای رقیب است. هزینه‌ی تولید، تابع عوامل متعددی از جمله هزینه‌ی نیروی انسانی، مواد اولیه، انرژی، مسایلی همچون قوانین کار و محیط زیست و سیاست‌های کلان اقتصادی دولتمردان یک کشور است.

اما آن چه مسلم است این که صنایع ایران حداقل از حیث نهاده‌های اصلی تولید، یعنی انرژی و مواد اولیه، در برابر رقبای خارجی خود از مزیت نسبی برخوردارند و هزینه‌ی نیروی انسانی نیز در ایران در قیاس با بسیاری از کشورها به جز چند کشور آسیایی که دارای قوانین کار نه چندان انسان دوستانه هستند و دستمزد کارگر در آنها بسیار اندک است در حد قابل قبولی است که آن هم می‌تواند یک مزیت قلمداد شود.

با این وجود چرا باز هم قیمت تمام شده‌ی کالاها

بخش تولید و صنعت به عنوان اصلی‌ترین عامل تبدیل‌کننده‌ی منابع خدادادی به ثروت ملی باید همواره در تمام برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی کشور مدنظر قرار گیرد. تخصیص یک وزارتخانه‌ی مستقل به بخش تولید و صنعت و لحاظ کردن مسایل مترتب بر تولید در تمامی بحث‌های اقتصادی کشور، نشان از آن دارد که مسؤولین به اهمیت صنعت و جایگاه آن در توسعه‌ی اقتصادی و نقش آن در اشتغال‌زایی به عنوان اصلی‌ترین پیامد اجتماعی تولید کاملاً واقفند. اما علی‌رغم این موضوع گهگاه شاهد هستیم که وجود برخی ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی در ذهن مسؤولین و تصمیم‌گیران، باعث مغفول ماندن منافع بخش تولید که مستقیماً به منافع اقتصادی کشور گره خورده است، می‌گردد. بروز چنین مسایلی موجب شده که صنعت و تولید کشور به ویژه صنایع بزرگ و کوچکی که توسط بخش خصوصی اداره می‌شوند رفته‌رفته تضعیف شده، قدرت رقابت خود را از دست

در ایران بیش از دیگر کشورهاست؟

یکی از مسایلی که چند سالی است به شکلی خاموش و تدریجی در حال تضعیف بخش صنعت کشور است تصمیم دولت مبنی بر ثابت نگه داشتن قیمت دلار می باشد. آن چه از نگاه تولید کننده دیده می شود این است که در اثر اتخاذ این سیاست، قدرت رقابت صنایع کشور هر ساله حداقل به اندازه‌ی نرخ تورم داخلی کاهش می یابد. بدین ترتیب که در شرایطی که به دلیل تورم، هزینه‌ی واحدهای تولیدی کشور و در نتیجه قیمت تمام شده‌ی محصولات آنها افزایش می یابد کالای رقیب خارجی به دلیل سیاست تثبیت نرخ ارز در بازارهای ایران با ثبات نسبی قیمت مواجه است. بنابراین کالاهای ایرانی هر ساله گران تر می شوند و از این منظر مزیت خود را به تدریج از دست می دهند. این مشکل نه تنها گریبانگیر بخش صنعت شده بلکه تولید کنندگان محصولات کشاورزی و باغی را نیز با مشکل مواجه کرده و امروز حتی شاهد حضور محصولاتی همچون سیر و بادمجان خارجی در فروشگاه‌های داخل هستیم.

اگرچه ارزان بودن دلار در مقابل ریال هزینه‌ی راه‌اندازی آن دسته از صنایعی را که از تجهیزات تماماً وارداتی بهره می گیرند کاهش می دهد ولی در حال حاضر تثبیت نرخ برابری ریال و دلار آن چنان باعث افزایش جذابیت واردات انواع و اقسام کالاهای مصرفی شده که چنین صنایعی حتی در صورت شروع به فعالیت هم نمی توانند امید زیادی به بهره‌مندی از سهم قابل توجه‌ای از بازارهای داخلی داشته باشند چه رسد به بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی، چرا که دلار به عنوان تنها ماده‌ی اولیه‌ی فعالیت بازرگانانی که اقدام به واردات کالا به کشور می نمایند همواره با نرخی ثابت و مناسب در اختیار ایشان قرار می گیرد.

از جمله دیگر تبعات طرح تثبیت قیمت دلار می توان به کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری خارجی و در مقابل تمایل سرمایه‌داران به خروج سرمایه‌های خود از کشور اشاره نمود. چرا که صاحب سرمایه به واسطه‌ی پایین بودن قیمت دلار در ایران در ازای تبدیل

دارایی خود از ریال به دلار، دلار بیشتری به دست خواهد آورد و برعکس کسی که بخواهد دارایی‌های ارزی خود را به ریال تبدیل کرده و وارد اقتصاد کشور کند به ازای یک مقدار مشخص دلار به ریال کمتری دست خواهد یافت.

پیامد دیگر این طرح را برای اقتصاد کشور می توان در تضعیف صنعت توریسم مشاهده نمود. چراکه امروز شاهد کاهش هزینه‌ی سفرهای خارجی برای شهروندان ایرانی و در نتیجه تمایل شدید ایرانیان به گذران اوقات فراغت خود در خارج از کشور هستیم و ناگفته پیداست که ادامه‌ی این روند به نوبه‌ی خود تبعات منفی بسیاری را برای اقتصاد و فرهنگ کشور به همراه خواهد داشت.

البته طرفداران این طرح بر تأثیر آن بر کاهش تورم تأکید دارند و اعتقاد دارند که تثبیت قیمت ارز باعث شده که خرید کالاهای وارداتی برای مردم ارزان تر و ساده تر شود. اما بدیهی است در صورت افزایش منطقی قیمت دلار و در پی آن رونق گرفتن تولید داخل و ایجاد یک رقابت سالم بین تولید کنندگان، قیمت‌ها در حدی معقول و منطقی تثبیت شده و یا رشدی معقول را شاهد خواهند بود. از سوی دیگر با وجود تثبیت نرخ ارز هر ساله به ویژه در سال‌های اخیر باز هم شاهد تورم سرسام آوری بوده‌ایم که مردم را در تأمین معاش خود با مشکلات عمده‌ای مواجه کرده است.

با این اوصاف به نظر می رسد که تثبیت نرخ ارز اگرچه ممکن است برای اقتصاد کلان ملی منشاء اثرات مثبت بوده باشد که البته ما از آن بی خبریم ولی آثار مخربی بر بدنه‌ی صنعت و کشاورزی کشور برجای گذاشته که باید هر چه سریع تر جهت رفع آنها چاره اندیشی نمود.

آن چه مسلم است این که حمایت از تولید داخل تنها با اقداماتی نمادین از جمله ممنوع کردن تبلیغ کالاهای خارجی در تلویزیون و یا تغییر تعرفه‌های واردات محقق نمی گردد و نیازمند توجهات اصولی و زیربنایی به این بخش است.

وحید تیموری